



مطالعه تاریخی نقش فقر و نابرابری اجتماعی در سلفی‌گری تکفیری

بهزاد قاسمی*

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند، نقش فقر و نابرابری‌های اجتماعی در سلفی‌تکفیری را بررسی کند. در شکل‌گیری گروه‌های تکفیری، عوامل مختلف و متغیرهای گوناگونی دخیل هستند. در این مقاله، نقش فقر و نابرابری اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مهم بررسی شده است؛ همچنین علل اقتصادی و فقر در گرایش به تکفیر و تروریسم، از مباحث مهم بوده و نقش و تأثیر آن در برخی از گروه‌ها دیده شده است. این پژوهش ضمن بررسی وضعیت گروه‌های افراطی برجسته در جهان اسلام، کوشش می‌کند، با بررسی زندگی رهبران گروه‌های افراطی، نسبت و رابطه فقر و تکفیر را تحلیل کند؛ این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال اساسی است که چه نسبت و رابطه معناداری بین فقر و تکفیر در جهان اسلام وجود دارد؟ اینکه آیا علل گرایش رهبران گروه‌های تکفیری و افراطی به تروریسم، خلاء و سرخوردگی اقتصادی است؟ نگارنده بر این باور است که اقتصاد، همواره علل گرایش به تکفیر نبوده و بسیاری از گروه‌های تکفیری در این قالب قابل تحلیل نیستند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی وضعیت رهبران گروه‌های تکفیری پرداخته و با تحلیل و نگاه جامعه‌شناسی تاریخی به افراط‌گرایی در دین اسلام، مدلی را ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: دین اسلام، افراط و تکفیر، فقر و نابرابری اجتماعی، رهبران افراط‌گرا..

مقدمه

بسیاری بر این باورند که میان فقر و تکفیر رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ یعنی هر چه فقر بیشتر باشد، احتمال تکفیرگرایی نیز بیشتر است؛ در مقابل، گروه دیگری بر این عقیده‌اند که این دو، رابطه‌ای مشخص با یک‌دیگر ندارند. این گروه نشان داده‌اند که در مواقع بسیاری، تکفیری‌ها از افراد ثروتمند بوده‌اند و همچنین بسیاری از فقرا، نه به تکفیر، بلکه به‌کنار گذاشتن باورهای دینی روی آوردند؛ بنابراین، مطالعه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی گرایش به افراط‌گرایی و تروریسم، از موضوعات قابل توجه بوده که می‌توان در مورد آن تحقیق کرد. در این مقاله سعی شده، این رابطه مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین سوال اصلی در این مقاله آن است که چه رابطه‌ای میان فقر و تکفیر وجود دارد؟ برای این منظور، تمرکز مقاله بر گروه‌های تکفیری قرار گرفته که هم‌اکنون، از فعالیت زیادی برخوردار هستند. داعش، النصرة و القاعدة نقاط مورد بررسی این پژوهش هستند. در این مقاله، ابتدا برخی از افراد این گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند، تا وضعیت اقتصادی آنها قبل از الحاق به این گروه‌ها، مشخص شود. این بخش نیز به دو زیرمجموعه تقسیم می‌شود که بررسی سران و سربازان این گروه‌ها است. در قسمت رابطه میان فقر و افراط-گرایی، در گزارشات آماری و تحقیقات کمی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش بعد، آمار تأییدکننده رابطه مستقیم، و آمار ردکننده رابطه میان فقر و تکفیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس، تحلیل آماری نویسنده از اطلاعات گردآوری شده ارائه خواهد شد؛ همچنین، فرایند تأثیرگذاری فقر بر تکفیر بررسی می‌شود. در این بخش، با نگاهی تحلیلی و جامعه‌شناسانه، به این سوال پاسخ داده می‌شود که چگونه فقر به تکفیر منتهی می‌شود؟ این بخش به نتیجه پژوهشی کمک می‌کند تا گلوگاه‌های تبدیل فقر به تکفیر شناسایی شوند. شناسایی این گلوگاه‌ها کمک زیادی در مدیریت این فرایند خواهد نمود. در قسمت بعدی مقاله، سوال دیگری مطرح می‌شود که آیا تحت هر شرایطی، فقر به تکفیر منتهی می‌گردد؟ نگارنده با دیدی جامع این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

۱-۱- اهمیت و هدف: امروزه گروه‌های سلفی و گروه‌های تروریستی در دنیا، بدون توجه به دینی خاص فعالیت می‌کنند و برخی از آنان دست به اقدامات خشونت‌طلبانه می‌زنند. اینکه رهبران تروریست این گروه‌ها، برای اقتصاد و در اثر فقر چنین اقداماتی را انجام می‌دهند، دارای اهمیت است. هدف مقاله پیش‌رو، بررسی نقش فقر و نابرابری اجتماعی در رشد تکفیر سنی است. اینکه فقر اقتصادی منجر به تروریست می‌شود، یا ریشه‌های دیگری نیز دارد؟

۲-۱- روش پژوهش: روش مورد استفاده در مقاله توصیفی _ تحلیلی است که با استفاده از منابع اینترنتی، مورد بهره‌برداری و فیش‌برداری قرار گرفته است.

۳-۱- ادبیات تحقیق: در حوزه سلفی‌گری، تکفیر و تروریسم، تحقیقات و مطالعات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ به‌خصوص در چند سال اخیر، علاوه بر تالیف کتاب و نگارش مقاله، همایش‌های متعدد ملی و بین‌المللی در زمینه تکفیر و تروریسم در ایران انجام شده است؛ با توجه به اهمیت و دامنه پژوهشی، موضوع دارای اهمیت مطالعاتی جدید نیز هست. در ذیل به‌صورت موجز به‌چند مقاله علمی انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود:

۱. مقاله مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی ایران و ایالات متحده در قبال تروریسم، به-قلم بهزاد قاسمی که توسط پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی منتشر شده است. این مقاله با تمرکز به نقش جمهوری اسلامی و ایالات متحده در مبارزه با تروریسم است که در نهایت، به تفاوت در برخورد و سیاست دو کشور در تقابل با تروریسم پرداخته و جدیت ایران در نابودی تروریسم را تحلیل کرده، و تناقض در سیاست و رفتار آمریکا را برملا ساخته است.^۱
۲. مقاله احمد تقی فخلعی و همکاران، تحت عنوان اندیشه تکفیری در بستر تاریخ، به این موضوع می‌پردازد که مسئله تکفیر، از ابتدای تاریخ اسلام همواره وجود داشته است. آنها به این نتیجه می‌رسند که تبیین ضرورت دینی و تفکیک آن از ضرورت مذهبی، در

۱. قاسمی، بهزاد، «مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به افراط‌گرایی و تروریسم»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ص ۳۷ و ۱۵.

کنار مدارا با مخالفان فکری و اعتقادی، راه حل مناسبی در تعدیل اندیشه تکفیری است.

۳. مقاله ملیحه محمدی، با عنوان بررسی عقاید خوارج و مقایسه آن با فرقه‌های تکفیری، داعش و راه کارهای مقابله با آنها^۱ نیز در این زمینه نوشته شده است. او در این مقاله این گونه برداشت می‌کند که تکفیری‌ها با شیعیان دشمن بوده و آنها را کافر و عبادت آنها را شرک آمیز می‌دانند و شیعیان دشمنان شماره یک داعشی‌ها هستند. پیروان سایر مذاهب نیز در مرتبه بعدی دشمنی قرار می‌گیرند؛ لذا نتیجه می‌گیرد که استعمارگران و صهیونیست‌ها از حربه تکفیر استفاده کرده و با نفوذ در بین مسلمانان، با احداث کنسول‌گری و گسیل دادن مبلغان دوره دیده و جاسوس، در بین جوامع اسلامی، جو تکفیر و تفرقه ایجاد نموده و مردم را نسبت به رهبران دینی بدبین کرده‌اند و نقشه استحاله نرم را برای جوامع اسلامی کشیدند. در اینجا به صورت فهرستوار، به برخی از منابع و تحقیقات انجام شده اشاره می‌کنیم: وهابیت، مبانی فکری، کارنامه عملی، نوشته جعفر سبحانی (۱۳۸۵ش)؛ وهابیان، علی اصغر فقیهی (۱۳۶۶ش)؛ نظری بر تاریخ وهابیت، نوشته زهرا مسجد جامعی (۱۳۸۰ش)؛ وهابیت بر سر دو راهی، نوشته ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۵ش)؛ وهابیت از منظر عقل و شرع، نوشته سید محمد حسینی قزوینی؛ تاریخ سیاسی وهابیت، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۷۹ش)؛ القاعده از پندار تا پدیدار، به قلم حمیدرضا اسماعیلی (۱۳۸۶ش)؛ مجموعه مقالات فرق تسنن، به کوشش مهدی فرمانیان (۱۳۸۶ش)؛ وهابیت از دیدگاه اهل سنت، نوشته علی اصغر رضوانی (۱۳۸۷ش)؛ سلفی‌گری و پاسخ به شبهات، به قلم علی اصغر رضوانی (۱۳۸۷ش)؛ وهابیان را بهتر بشناسیم، نوشته علی اصغر رضوانی (۱۳۸۷ش)؛ هذه هي الوهابية، به قلم محمد جواد مغنیه؛ كشف الإرتياب في إتباع محمد بن عبد الوهاب، نوشته سید محسن الامین العاملی (۱۳۴۵ق)؛ الفرقة الوهابية في خدمة من؟ نوشته سید ابوالعلی التقوی از جمله آن هستند.

در مجموع در زمینه سلفی‌گری و تروریسم، مقالات و کتاب‌های بسیار زیادی نوشته

۱. محمدی، ملیحه، سیمای پاکستان، ص ۲۴۱.

شده است؛ ولی کمتر پژوهشی به موضوع فقر و تکفیر پرداخته و تفاوت اساسی مقاله پیش‌رو با دیگر مقالات نیز، بررسی همین موضوع (با تمرکز بر رهبران گروه‌های تکفیری)، می‌باشد؛ در واقع بررسی وضعیت زندگی با تمرکز بر جایگاه اقتصادی، یک امتیاز پژوهشی جدید، در نقد و بررسی گروه‌های تکفیری به‌شمار می‌آید.

وضعیت اقتصادی سران و سربازان، قبل از ملحق شدن به گروه‌های تکفیری

رهبران

در این قسمت، به رهبران ۱۱ گروه تکفیری و وضعیت اقتصادی آنها قبل از پذیرش افکار تکفیری می‌پردازیم.

داعش

أبو بکر البغدادی: وی هم‌اکنون رهبری داعش را بر عهده دارد. او در سال ۱۹۷۱م، در نزدیکی سامرا به دنیا آمد.^۱ وی تا سال ۲۰۰۴م، در محله‌ای فقیرنشین به نام توبچی زندگی می‌کرد. این محله در حاشیه غربی بغداد قرار دارد و شیعیان و سنی مذهب‌ان در آن زندگی می‌کنند.

وی در نوجوانی علاقه و استعداد زیادی به ورزش فوتبال داشت. او فردی خجالتی و به دور از خشونت بود.^۲ بغدادی دارای مدرک دکترای مطالعات دینی از دانشگاه بغداد است. در این رابطه "احمد دباش"، یکی از رهبران الجیش الإسلامی فی العراق، چنین گفته است: من در دانشگاه اسلامی با بغدادی بودم و هر دو در یک رشته درس می‌خواندیم؛ اما او دوست من نبود. او آرام و گوشه‌گیر بود و در تنهایی به سر می‌برد. مدتی بعد، او ما را در ایجاد "الجیش الإسلامی" یاری کرد. من در میان رهبران نظامی قرار داشتم و برخی از خشونت‌بارترین عملیات‌ها را رهبری کردم؛ اما بغدادی در این میان نبود.

1. www.theguardian.com.

2. www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq/10948846/How-a-talented-footballer-became-worlds-most-wanted-man-Abu-Bakr-al-Baghdadi.html

من عادت داشتم که درباره اعضا، اطلاعات لازم را به دست آورم؛ اما درباره بغدادی چندان اطلاعی نداشتم.^۱

ابومسلم ترکمانی: وی جانشین فرماندهی داعش در عراق و در کنار ابوعلی الانباری نفر دوم داعش است. وی در "تلعفر استان نینوا" در عراق به دنیا آمد. اکثر جمعیت این شهر را ترکمن تباران تشکیل می دهند. ۷۵ درصد جمعیت این شهر نیز، سنی مذهب هستند. این شهر از وضعیت اقتصادی، رفاهی و بهداشتی مناسبی برخوردار نبوده است.^۲ او در زمان صدام، از فرماندهان نظامی مستقر در واحد استخبارات بعث بود. درباره گذشته وی، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما به طور قطع، وی تا قبل از تهاجم آمریکا به عراق، و روی کار قرار داشتن رژیم بعث، به علت رده شغلی خود، از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است.

ابوعلی الانباری: وی جانشین فرماندهی داعش در سوریه و در کنار ابومسلم ترکمانی نفر دو داعش است. او از فرماندهان نظامی ارشد در زمان صدام بود.^۳ بعد از حمله سال ۲۰۰۲ آمریکا به عراق، به عضویت انصارالاسلام درآمد؛ ولی به اتهام فساد مالی از آنجا خارج و به القاعده ملحق شد. نکته دیگر که در گزارشات دیده شده آن است که دانش مذهبی او به نسبت دیگر سران داعش کمتر است.^۴

این اطلاعات هرچند اندک است، اما نشان می دهد که الانباری قبل از پیوستن به گروه های تکفیری، از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است.

عدنان لطیف حامد سویداوی: او رئیس شورای نظامی داعش است که در سال ۱۹۶۵م، در استان الانبار متولد شد.^۵ او از فرماندهان ارتش صدام بوده که در استخبارات دفاع هوایی نیز، مدتی کار کرده است. وی نیز تا قبل از تهاجم آمریکا، از

1. Ibid.

2. McCone, David R.; Scott, Wilbur J. & Mastroianni, George R. (January 8, 2008), THE 3RD ACR IN TAL'AFAR: CHALLENGES AND ADAPTATIONS, Department of Behavioral Sciences & Leadership United States Air Force Academy, Colorado Springs.

3. www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iraq.

4. www.wsj.com.

5. Heras, Nicholas A. (March 31, 2014), ABU AYMAN AL-IRAQI DIRECTS ISIS OPERATIONS IN EASTERN SYRIA, Volume: 5 Issue: 3: jamestown.org.

6. www.nbcnews.com.

وضعیت مالی مناسبی برخوردار بوده است.

أبو محمد عدنانی: وی سخن گوی داعش است که در سال ۱۹۷۷م، در شهر بنش در شمال سوریه به دنیا آمد. اغلب ساکنین این شهر سنی مذهب و ترک زبان هستند.^۱ در مورد پیشینه اقتصادی او، اطلاعاتی در دست نیست؛ ولی با توجه به موقعیت شهر محل زندگی اش، پیش بینی می شود که وی از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نبوده است. ابو عمر شیشانی: وی در سال ۱۹۸۶م، در خانواده ای مذهبی در گرجستان به دنیا آمد. پدر وی یک مسیحی ارتدکس و مادرش مسلمان بود. وی در جوانی چوپان بوده است. بعد از اتمام دبیرستان وارد ارتش شده و در جریان جنگ دوم چچن و در بین سال های ۲۰۱۰-۲۰۰۶م، از فرماندهان نظامی بوده است.^۲ در جریان جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸م، به گروه های جهادی ملحق و از ارتش جدا شد. در سال ۲۰۱۰م، به جرم حمل غیرقانونی سلاح دستگیر و به ۳ سال حبس محکوم شد؛ اما بعد از ۱۶ ماه از زندان فرار کرد. در دوران زندان، عقاید تکفیری وی شکل گرفته است. در این باره وی اذعان داشته: وقتی در زندان بودم، با خدا عهد کردم که اگر از آن زنده بیرون آیم، برای او به جهاد پردازم؛^۳ بعد از آن به سوریه وارد شد و به همراه برادر بزرگترش، صلاح الدین شیشانی، جیش المجاهدین را در سال ۲۰۱۲م، تأسیس نموده اند.^۴ در سال ۲۰۱۳م، این گروه به همراه جیش محمد و گروه کتائب خطاب، جیش المهاجرین و الانصار را تشکیل دادند. این اطلاعات نشان می دهد که وی تا قبل از پذیرش عقاید تکفیری، از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بوده و در زمره فرماندهان نظامی قرار داشت.

القاعده

اسامه بن لادن: وی فرزند محمد بن عوض بن لادن، میلیاردری در صنعت ساختمان، و

1. OWEIS, KHALED YACCOUB (Feb 15, 2013), Syrian opposition won't talk to officials linked to crackdown: www.reuters.com/article

2. news.sky.com.

3. Cullison, Alan (19 November 2013). "Meet the Rebel Commander in Syria That Assad, Russia and the U.S. All Fear". The Wall Street Journal.

4. Murad Batal al-Shishani (3 December 2013), Syria crisis: Omar Shishani, Chechen jihadist leader: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east>.

مرتبط با خاندان سلطنتی سعودی بوده است. دهمین همسر او، حمیده العطاس بود. خانواده بن لادن ۵ میلیارد دلار از صنعت ساختمان سازی به دست آوردند که اسامه، بعدها ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلار آن را به ارث برد.^۱

بن لادن بین ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۶م، به مدرسه نمونه الثغر که سکولار و برای طبقه نخبگان بود پیوست. او در دانشگاه ملک عبدالعزیز، در رشته اقتصاد و مدیریت کسب و کار تحصیل کرد و در مدیریت عمومی در سال ۱۹۸۱م، با مدرک مهندسی عمران فارغ التحصیل شد. در دانشگاه، بزرگترین علاقه بن لادن مذهب بود و او در کارهایی چون تفسیر قرآن و جهاد و کارهای عام المنفعه فعال بود. دیگر علایق او سرودن شعر و مطالعه بود و گفته شده، آثار فیلدمارشال برنارد مونتگومری و شارل دو گل را دوست داشت. به فوتبال نیز علاقه داشت و دوست داشت سانتر فوروارد بازی کند، و هوادار باشگاه آرسنال بود.^۲

ایمن الظواهری: وی در سال ۱۹۵۱م، در شهر معادی در نزدیکی قاهره، در یک خانواده نسبتاً مرفه به دنیا آمد. او در سن ۲۳ سالگی، در رشته پزشکی با درجه خیلی ممتاز (جید جداً)، از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شد. از او به عنوان دانشجویی درس خوان که از ورزش های خشن بیزار بوده، یاد شده است. او در ۱۴ سالگی به اخوان المسلمین پیوست. پس از اعدام سید قطب، به اتهام خیانت به عضویت گروه حرکت جهاد اسلامی مصر درآمد؛ پس از ترور انور سادات، وی و همفکرانش در یک سری عملیات های پلیسی و امنیتی در مصر، دستگیر و محاکمه شدند. در دادگاه از آنجا که او مسلط به زبان انگلیسی بود، به عنوان سخن گوی زندانیان جهاد اسلامی مصر انتخاب شد. سخنرانی های آتشین او در دادگاه، باعث جلب افکار عمومی نسبت به وی شد؛ پس از آزادی از زندان، از مصر خارج و به جهادیون عرب که در افغانستان مشغول جنگ با شوروی بودند پیوست. در افغانستان، با اسامه بن لادن سعودی آشنا گردید و در آنجا

1. www.economist.com.

2. www.mirror.co.uk.

بود که شبکه القاعده پایه‌ریزی شد.^۱

جبهه النصره

أبو محمد جولانی: او رهبر جبهه النصره است که در سوریه زاده شد و به تدریس عربی فصیح می‌پرداخت. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۲م، برای مقابله با آمریکا وارد عراق شد و به القاعده عراق پیوست؛ بنابراین او قبل از تکفیری شدن، از وضعیت اقتصادی متوسطی برخوردار بوده است.^۲

جنبش اسلامی ازبکستان

جوما کاسیموف: وی در سال ۱۹۹۸م، این جنبش را تأسیس نمود. او در سال ۱۹۶۹م، به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۱م، در مزار شریف کشته شد. تا قبل از ارتباط با تکفیری‌ها، در ارتش شوروی اشتغال داشت و از چتربازان ارتش شوروی در جنگ با افغانستان بود؛ لذا به نظر می‌رسد وضعیت معیشتی او تا قبل از الحاق به افراط‌گرایان، نامناسب نبوده است.^۳

حزب اسلامی ترکستان

حسن مخسوم: وی بنیان‌گذار و رهبر حزب اسلامی ترکستان بود که در "کونیکزار" ترکمنستان به دنیا آمد. او عضو جنبش استقلال ترکستان شرقی بوده است. در اواخر دهه ۲۰ زندگی خود، از مبلغان جهادی بوده که به جذب نیرو علیه چین اقدام می‌ورزید.^۴ وی در سال ۱۹۹۳م، توسط پلیس چین دستگیر و زندانی شد و در سال ۱۹۹۷م، از زندان فرار کرد؛ در ادامه با طالبان رابطه برقرار نمود و بن لادن در حدود ۳۰۰ هزار دلار آمریکا، به حزب وی کمک مالی کرد.^۵

1. fa.wikipedia.org.

۲. بغیری، علی، علل گرایش به تکفیر، ص ۲۱.

۳. همان.

4. Sichor, Yitzhak (2006). "Fact and Fiction: A Chinese Documentary on Eastern Turkestan Terrorism". China and Eurasia Forum Quarterly (Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program) 4 (2): pp.89-108.

5. Raman. Bein (2005-01-27). "Paper no. 1232: Explosions in Xinjiang". South Asia Analysis Group. Archived from the original on 2007-09-27.

لشکر طیه

حافظ محمد سعید: او در سال ۱۹۵۰م، در "پنجاب" به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود و در جریان استقلال پاکستان، به همراه دیگر بستگان به پاکستان مهاجرت کردند. در طول این مهاجرت، ۳۶ نفر از اعضای خانواده اش جان خود را از دست دادند.^۱ محمود ضیاء الحق، او را در دانشگاه مهندسی و تکنولوژی پاکستان، به عنوان استاد مطالعات اسلامی معرفی کرد. آنها در اوایل دهه ۱۹۸۰م، به عربستان اعزام شدند و در آنجا به ایدئولوژی جهادگران افغان ملحق شدند.

بنابراین، آنچه مسلم است، وی قبل از پذیرش ایده های تکفیری، از وضعیت اقتصادی و سواد و دانش مناسبی برخوردار بوده است.

جیش محمد

مولانا مسعود اظہر: وی در مارس ۲۰۰۰م، این گروه را در کشمیر تأسیس نمود. استقلال کشمیر از هند، هدف اولیه آنها بود. او در سال ۱۹۶۸م، در "بهاوالپور" پاکستان در خانواده ای پرجمعیت به دنیا آمد. پدرش مدیر یک دبیرستان دولتی بود و سایر اعضای خانواده وی به کشاورزی اشتغال داشتند. او تحصیلات اسلامی خود را در کراچی گذراند و بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی، به مجاهدین پیوست و به دلیل تسلط به زبان اردو و عربی، از نویسندگان مجلات مربوط به آنها شد؛^۲ لذا به نظر می رسد که وضعیت اقتصادی وی تا قبل از الحاق به تفکرات تکفیری مناسب بوده است.^۳

جماعت انصار التوحید اندونزی

ابوبکر بشیر: وی در سال ۲۰۰۸م، این گروه را تأسیس نمود. ابوبکر بشیر در "جومبانگ" در جاوای شرقی در سال ۱۹۳۹م، به دنیا آمد. وی کلیه مراتب تحصیلاتی خود را در مؤسسات اسلامی و در علوم اسلامی در اندونزی سپری کرد. او از همان ابتدا به صورت علنی و غیرعلنی در بالاترین سطوح جنبش های اسلامی متعددی (مثل سازمان دعوت

1. Swami, Praveen, Pakistan and the Lashkar's jihad in India: <http://www.thehindu.com>.
2. Maulana Masood Azha2002". Kashmir Herald (kashmiri-pandit.org) 1 (8), January .

۳. بغیری، علی، علل گرایش به تکفیر، ص ۲۲.

دانشجویان اندونزی و مدرسه اسلامی المکمین)، در اندونزی به فعالیت پرداخت؛ بنابراین باید گفت که بشیر تا قبل از اتحاد با القاعده، از جایگاه اقتصادی و سیاسی مناسبی در میان جنبش‌های شرق آسیا برخوردار بوده است.^۱

بوکو حرام

محمد یوسف: وی در سال ۱۹۷۰م، در روستای "گیرگیر" در "ایالت یوب" نیجریه به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۹م، کشته شد. در سال ۲۰۰۲م، گروه مذکور را تأسیس نمود.^۲ این ایالت یکی از بزرگ‌ترین بازارهای فروش احشام در آفریقای غربی است که از وضعیت مناسبی برای کشاورزی، ماهی‌گیری و استخراج معادن برخوردار است.

محمد یوسف ۴ همسر و ۱۲ فرزند داشت. وی از تحصیلات دینی برخوردار بوده و به زبان انگلیسی مسلط بود و زندگی مرفه و پر زرق و برقی داشت.^۳

ابوبکر شکاؤ: وی قائم مقام محمد یوسف بوده که بعد از مرگ او، رهبری این گروه را بر عهده گرفت.^۴ او یک مذهبی کانوئی است که به زبان‌های عربی و انگلیسی نیز صحبت می‌کند. او در روستای "شکاؤ" در ایالت "یوب" به دنیا آمده است؛^۵ وی به تئوری پرداز این گروه مشهور است. به نظر می‌رسد که تا قبل از الحاق به بوکو حرام، از وضعیت اقتصادی مناسبی به نسبت سایر مردم نیجریه برخوردار بوده است.

ابوسیف

عبدالرزاق ابوبکر جنجلانی: او مؤسس این گروه است که در ۱۹۵۹م، در خانواده‌ای مسیحی - اسلامی در فیلیپین به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۸م، کشته شد؛ اگرچه جنجلانی در خانواده و محله‌ای فقیر به دنیا آمد، ولی معلم بود و تحصیلات دینی و زبان عربی خود را در لیبی، سوریه و عربستان (در دهه ۱۹۸۰م)، کامل کرد؛ همچنین بن لادن برای سازمان او، ۶ میلیون دلار هزینه کرده بود. سطح تحصیلات و گذراندن تحصیلات در

۱. همان.

2. www.adl.org.

3. N news.bbc.co.uk

4. Nigeria sect leader defends killings in video, Jan 12, 2012:

5. Nigeria's Boko Haram leader Abubakar Shekau in profile, 9 May 2014.

سایر کشورها، نشان می‌دهد که وضعیت معیشتی وی مناسب بوده است.^۱

خدافی ابوبکر جنجلانی: او برادر عبدالرزاق ابوبکر بوده که بعد از وی رهبری گروه را بر عهده گرفته است. خدافی در سال ۱۹۷۵م، در یکی از فقیرترین و کوچک‌ترین شهرهای فیلپین به نام "ایزابلا" به دنیا آمد. این شهر همواره درگیر منازعات استقلال طلبانه بوده است. او به علت پشتیبانی آمریکا و سرقت و راهزنی قبل از رهبری گروه‌های تکفیری، وضعیت اقتصادی مناسبی داشته است.^۲

امارت قفقاز

دوکا عمروف: او مؤسس این گروه در سال ۲۰۰۷م بود. دوکا عمروف در سال ۱۹۶۴م، در خانواده‌ای روشن فکر در چچن به دنیا آمد و در سال ۲۰۱۳م، کشته شد.^۳ در دوران نوجوانی (بین سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۰م)، او به اوباش‌گری، خودکشی و آدم‌کشی متهم بوده است.^۴ دوکا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی ساختمان در مؤسسه نفت گرونی‌سی سپری نمود؛^۵ سپس به موسکو نقل مکان نموده و در آنجا نیز در ساختمان‌سازی مشغول به کار شد؛^۶ همچنین، وی در موسکو در اقدامات نیمه‌جنایی شرکت داشته است. با شروع جنگ چچن در سال ۱۹۹۴م، به صف مقابله با صرب‌ها پیوست. از نکات دیگر در زندگی او، آن است که بسیاری از بستگان درجه اولش، یا ربوده و یا کشته شده‌اند؛^۷ بنابراین، وضعیت اقتصادی او تا قبل از نزدیک شدن به تکفیری‌ها مناسب بوده است.

۱. سرویس خارجی، «محاصره سه ساله دیرالزور شکست؛ یک قدم تا پیروزی»، روزنامه کیهان، ص ۱۲.

۲. آرمان، مستوفی، مرگ رهبر گروه ابوسیف، رادیو فردا.

3. www.rferl.org.

4. Kevin Daniel Leahy, From Racketeer to Emir: A Political Portrait of Doku Umarov, Russia's Most Wanted Man, Caucasian Review of International Affairs, Vol. 4 (3) - Summer 2010; <http://www.cria-online.org>.

5. www.chechenpress.co.uk.

6. "Latest Report Of Umarov's Death Leaves Details Unclear". [Rferl.org](http://www.rferl.org). 25 August 2013.

7. Doku Umarov's father killed in Chechnya, Caucasian Knot, 20 April 2007; accessed 18 March 2014; <http://eng.kavkaz-uzel>.

سربازان

در مورد سربازان گروه‌های تکفیری نیز تنوع اقتصادی وجود دارد. بسیاری از آنها تا قبل از پیوستن به این گروه‌ها، از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال، "نزار طرابلس" بازیکن یکی از تیم‌های آلمان بوده که به النصره سوریه پیوست؛ همچنین، "ابوعیسی آندلس" نیز بازیکن پرتغالی تیم آرسنال بوده که به داعش پیوست. این افراد از میزان رفاه اقتصادی متوسط به بالایی برخوردار بوده‌اند؛ ولی به افراط‌گرایی دچار شدند؛ همچنین افرادی از ۹۰ کشور جهان به داعش ملحق شده‌اند. ۳۴۰۰ غربی، ۱۵۰ شهروند آمریکا و بیش از ۶۰۰ زن و دختر آلمانی ما بین سنین ۱۶ تا ۲۷ سال؛ البته باید توجه نمود که این افراد گرچه به نسبت سایر افراد ملحق‌شده به گروه‌های تکفیری، از وضعیت اقتصادی مناسب‌تری برخوردار هستند، ولی در مقایسه با وضعیت اقتصادی مورد تصور خود در یک کشور غربی، از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده‌اند؛ از این‌رو، در مورد سربازان عمدتاً ملحق شده از غرب باید گفت که عامل اقتصادی، رابطه‌ای با این الحاق نداشته است.^۱

با این حال، اغلب داعشی‌های غربی اصالتاً برای کشورهای جهان سوم هستند؛ اما در رابطه با پیوستن افراد از کشورهای غیرتوسعه‌یافته به گروه‌های تکفیری، عامل اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود؛ به‌عنوان مثال، یکی از دلایل اصلی پیوستن اشخاصی از تاجیکستان به داعش، فقر و اعطای پول از جانب گروه‌های تکفیری می‌باشد.^۲ سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز از وضعیت نامناسب اقتصادی رنج می‌برند؛ بنابراین، بسیاری از افراد این کشورها، برای حل مشکلات اقتصادی خود، و کسب درآمد برای خانواده‌هایشان، به این گروه‌ها ملحق می‌شوند.^۳

ماهیت آمار موجود از رابطه فقر و تکفیرگرایی

آمار مشخص در رابطه با الحاق رهبران و سربازان به گروه‌های تکفیری در دست نیست و

1. www.farsnews.com.

2. www.mashreghnews.ir.

3. www.farsnews.com/newstext.php.

گزارشات آماری در دسترس، به صورت اختصاصی به بررسی این موضوع نپرداخته‌اند. عدم وجود اطلاعات دقیق از افراد تا قبل از الحاق به این گروه‌ها، یکی از دلایل این امر است. با این حال، مؤسسات تحقیقاتی درصدد جمع‌آوری آمار کلی‌تری برآمده‌اند که رابطه میان فقر و افراط‌گرایی مذهبی را نشان می‌دهد؛ ولی این نیز نقصان اصلی این آمار نیست. نقصان اصلی این آمار آن است که اعتقادات شدید مذهبی را با افراط‌گرایی برابر دانسته و حتی در مواردی، اعتقادات مذهبی را با افراط‌گرایی یکی می‌دانند؛ با این حال، این آمار نیز به دو دسته متضاد تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

آمار مؤید رابطه فقر و افراط‌گرایی

نظرسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۱۲م، یکی از مشهورترین آمارها است. طبق این نظرسنجی، ۸۵ درصد از شهروندان ۱۰ کشور اول مذهبی دنیا، خود را مذهبی می‌دانند. این ۱۰ کشور، جزء کشورهایی هستند که فقر آنها افزایش یافته و سرانه آنها کمتر از ۱۴۱۰۰ دلار است. این نشان می‌دهد که در شرایط فقر، نگرش‌های مذهبی توسعه می‌یابند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که در اروپا و آمریکا، تعداد باتقوایان مذهبی کم شده است.

نمونه دیگر آماری در گزارش مرکز تحقیقات فتا در سال ۲۰۱۲م، منتشر شده است. طبق این گزارش، بین فقر، کمبود فرصت‌های آموزشی، بیکاری (به‌ویژه در میان جوانان و افراط‌گرای مذهبی)، رابطه‌ای قوی برقرار است.^۱

آمار رد کننده رابطه فقر و افراط‌گرایی

این آمار در مقایسه با آمار مؤید از کمیت کمتری برخوردار هستند. نتایج تحقیقات «شبکه تحقیقاتی علوم اجتماعی» نشان داده که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های زیاد در پاکستان، همچنان گرایش به افراط‌گرایی زیاد است. این تحقیق نشان داده که پاکستانی‌های مرفه و آموزش دیده، گرایش بیشتری به افراط‌گرایی دارند.^۲

۱. جهت اطلاعات بیشتر رجوع کنید به مرکز اطلاعات فتا، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی تروریست‌ها.

2. Does Poverty Cause Extremism?: <http://borgenproject.org/poverty-cause-extremism/>

تحلیل آماری نسبت و رابطه بین فقر و تکفیر

در موضوع افراط‌گرایی و تروریسم، گروه‌هایی وجود دارند که با برداشت غلط از تعالیم دینی (اسلام و مسیحیت)، و با فتنه‌انگیزی دشمنان اسلام، گاهی اوقات دست به خشونت‌هایی می‌زنند که از نظر اکثر گروه‌های مسلمان، محکوم است. خشونت‌های فرقه‌ای مخصوص مسلمانان نیست؛ به این دلیل که خشونت و تروریسم ریشه دینی ندارد. در سایر ادیان (برای نمونه در مسیحیت) نیز چنین خشونت‌هایی وجود دارد؛ برای نمونه گروه "کوکلاکس کلان" از این گروه‌ها هستند.^۱

افراط و تروریسم در جهان اسلام

هیچ گزارش دقیق آماری وجود ندارد که رابطه میان فقر و تکفیر را در سطوح مختلف گروه‌های تکفیری نشان دهد.

از بررسی آماری به عمل آمده توسط محقق، نتایج زیر به دست آمده است:

جدول ۱: وضعیت اقتصادی و دانش دینی رهبران گروه‌های تکفیری تا قبل از الحاق به این گروه‌ها:

ردیف	نام	نام گروه	وضعیت اقتصادی تا پیش از الحاق	وضعیت سواد دینی تا پیش از الحاق	ملاحظه
۱	ابوبکر البغدادی	داعش	متوسط به بالا	زیاد	دارای دکتری مطالعات دینی از دانشگاه بغداد
۲	ابومسلم ترکمنی	داعش	متوسط به بالا	کم	در زمان صدام یک نظامی بعثی بوده است.
۳	ابوعلی الانباری	داعش	متوسط به بالا	کم	قبلا در القاعده عضویت داشته است.
۴	عدنان لطیف حامد سویداوی	داعش	متوسط به بالا	کم	در زمان صدام یک نظامی بعثی بوده است.
۵	أبو محمد عدنانی	داعش	کم	-	-
۶	ابوعمر شیشانی	داعش	متوسط	متوسط	قبلا از فرماندهان نظامی چچن بوده است.

۱. واسعی، هادی، منتظری، سعید رضا، قاسمی، رعنا، «بررسی و مقایسه فرقه‌های تکفیری میان مسلمانان و مسیحیان: مطالعه موردی داعش و کوکلاکس کلان»، فصل‌نامه سپهر سیاست، شماره ۱۷، ص ۹۷-۷۷.

۷	اسامه بن لادن	القاعده	خیلی بالا	زیاد	وی مهندس بوده است.
۸	ایمن الظواهری	القاعده	بالا	خیلی زیاد	وی پزشک بوده است.
۹	أبو محمد جولانی	جبهة النصرة	متوسط	-	وی مدرس زبان عربی بوده است.
۱۰	جوما کاسیموف	جنبش اسلامی ازبکستان	متوسط	-	قبلا عضو ارتش شوروی بوده است.
۱۱	حسن مخسوم	حزب اسلامی ترکستان	پایین	زیاد	-
۱۲	حافظ محمد سعید	لشکر طیبه	بالا	زیاد	قبلا استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه بوده است.
۱۳	مولانا مسعود اظہر	جیش محمد	متوسط	زیاد	-
۱۴	ابوبکر بشیر	جماعت انصار التوحید اندونزی	بالا	زیاد	-
۱۵	محمد یوسف	بوکو حرام	بالا	زیاد	-
۱۶	ابوبکر شکائو	بوکو حرام	بالا	زیاد	-
۱۷	عبدالرزاق ابوبکر جیجانی	ابوصیاف	متوسط	زیاد	-
۱۸	خدافی ابوبکر جیجانی	ابوصیاف	پایین	کم	-
۱۹	دوکا عمروف	امارت قفقاز	بالا	خیلی کم	وی در جوانی اتهامات تبهکارانه داشته است.

- از ۱۹ رهبری که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، تنها یک رهبر از وضعیت اقتصادی خیلی بالا برخوردار بوده است؛ به عبارت دیگر، تنها ۵/۲۶ درصد از رهبران از وضعیت اقتصادی خیلی بالایی برخوردار بوده‌اند.

- از ۱۹ رهبری که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، تنها دو رهبر از وضعیت اقتصادی پایین برخوردار بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، تنها ۱۰/۵ درصد از رهبران از وضعیت اقتصادی پایین برخوردار بوده‌اند.

- از ۱۹ رهبر مورد مطالعه، ۹ رهبر از وضعیت اقتصادی متوسط یا متوسط به بالا برخوردار بوده‌اند. اغلب ۴۷/۳۶ درصد از رهبران، در این گروه جای می‌گیرند.

- با توجه به این تحلیل آماری، نمی‌توان میان وضعیت اقتصادی و گرایش‌های تکفیری در رهبران، ارتباط معناداری برقرار نمود.

- از ۱۹ رهبر مورد مطالعه، ۱۰ رهبر از سواد دینی زیاد یا خیلی زیاد برخوردار بوده‌اند. اغلب رهبران، یعنی ۵۲/۶۳ درصد، در این گروه جای می‌گیرند.

- از ۱۹ رهبر مورد مطالعه، وضعیت سواد دینی ۳ رهبر مجهول بوده است.

- از ۱۹ رهبر مورد مطالعه، ۵ رهبر (۲۶/۳۱ درصد)، از سواد دینی کم برخوردار بوده‌اند که اغلب آنها (۳/۵) داعشی هستند.

با توجه به این تحلیل آماری، می‌توان میان سواد دینی و گرایش‌های تکفیری در رهبران ارتباط معناداری برقرار نمود؛ بنابراین، در سطح رهبران تکفیری، گرایش‌های مذهبی بیش از عامل اقتصاد تعیین‌کننده هستند.

بررسی رابطه اقتصاد یا دانش دینی، با تکفیر، در رابطه با سربازان بسیار دشوارتر می‌شود؛ زیرا هیچ آمار نسبتاً مناسبی از وضعیت سربازان این گروه‌ها در دسترس نیست؛ با این حال، تحلیل کارشناسی حاصل از بررسی چند نمونه، نتایج زیر را تأیید نموده است. الگوهای رابطه‌ای فقر و تکفیر کشورهای پیشرفته با کشورهای فقیر متفاوت هستند. در اولی، فقر مطلق کم‌رنگ‌تر است و تبعیض و محرومیت نسبی، پررنگ‌تر است. در دومی فقر مطلق از میزان تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. علی‌رغم عدم وجود رابطه معنادار میان اقتصاد و تکفیرگرایی در رهبران، در سطح سربازان این رابطه وجود دارد که البته در دو قالب رابطه مستقیم فقر مطلق و تکفیر و رابطه مستقیم محرومیت نسبی با تکفیر وجود دارد.

مکانیزم تبدیل فقر به تکفیرگرایی در اسلام

در این قسمت چگونگی تبدیل شدن یک فرد فقیر به تکفیرکننده و حرکت وی در مسیر اقدام انتحاری مورد تحلیل جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه قرار می‌گیرد. فقر به‌ترتیب و با

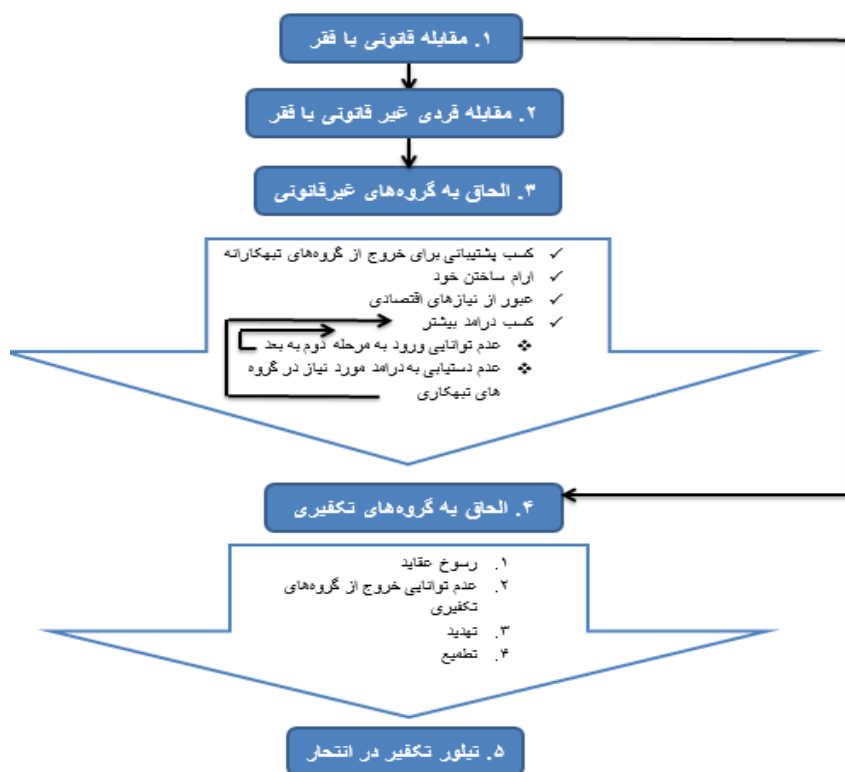
طی مراحل زیر به تکفیرگرایی و نقطه اوج آن، یعنی عملیات انتحاری، تبدیل می‌شود. فقر، ابتدا انسان را به تلاش برای مقابله با آن فرا می‌خواند. در این مرحله، فرد سعی می‌کند تا ابتدا با استفاده از فعالیت‌های قانونی، درآمدی مناسب کسب کند؛ بنابراین، اگر افرادی به خواسته خود فقر را انتخاب کرده باشند و در راه مقابله با آن تلاشی صورت نداده باشند، احتمالاً در مراحل بعدی به تکفیرگرایی دچار نمی‌شوند؛ زیرا این افراد یا از فقر خود لذت می‌برند و یا آنقدر سست و تنبل هستند که به کار نمی‌پردازند؛ چون اهل پیوستن به گروه‌های تکفیری و انجام اقدامات سخت نظامی نیز نیستند.

افراد نه برای کسب درآمد، بلکه برای رسیدن به قدرت سیاسی و مذهبی یا کسب هویت به گروه‌های تکفیری ملحق می‌شوند. این موضوع به‌ویژه در پیوستن رهبران به گروه‌های تکفیری مشاهده می‌شود. در مجموع در پی پاسخ دادن به تحقیر خود در گذشته هستند.

این موضوع به دو صورت محقق می‌شود؛ نخست، عدم توانایی از ورود به مرحله دوم (مقابله غیر قانونی با فقر) به بعد؛ یعنی بسیاری از افراد قادر به ورود به مرحله دوم نیستند. دیگری، عدم دستیابی به درآمد مورد نیاز در گروه‌های تبهکاری است که به این دلیل، به گروه‌های تکفیری ملحق می‌شوند.^۱ اقدام انتحاری را باید نقطه اوج تکفیرگرایی دانست که به ترتیب اولویت، به ۴ دلیل صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱. رسوخ شدید عقاید تکفیری به فرد؛
۲. عدم توانایی خروج از گروه‌های تکفیری و ناچار شدن فرد؛
۳. تهدید و اجبار؛
۴. تطمیع؛

1. Gupta, Dipak K. (2008), *Understanding Terrorism and Political Violence*. London: Routledge, available at: <http://www.theatlantic.com>.



تصویر بالا با تحلیل روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، مراحل تبدیل فقر به تکفیرگرایی را نشان می‌دهد. این مکانیزم محتمل‌ترین مکانیزم است و لذا احتمال وجود مکانیزم‌های دیگر را نفی نمی‌کند.

شرایط ایجاد تکفیری‌گری

نیمی از مردم جهان زیر خط فقر زندگی می‌کنند که ۹۵ درصد آنها در کشورهای در حال توسعه هستند؛ اما، چرا همه مردم این کشورها به تکفیرگرایی روی نمی‌آورند؟ چرا فقر همه افراد به تکفیری‌گری منتهی نمی‌شود؟ در پاسخ به این سوال باید شرایط ظهور و بروز تکفیرگرایی را مورد بررسی قرار داد.

وجود بسترهای مذهبی خشک: جمود فکری و برداشت ظاهری از دین منجر به تکفیر و

ترور می‌شود.^۱ این موضوع منحصر به اسلام نیست در سایر ادیان نیز وجود دارد. فهم نادرست از شریعت: این بخش را می‌توان زیرمجموعه بخش قبل دانست؛ ولی به دلیل اهمیت، ما آن را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم. فهم نادرست از مذاهب و سطحی‌نگری دینی، مهم‌ترین بستر درونی افراد برای گرایش به تکفیرگرایی است؛^۲ البته، همه مذهبی‌ها به تکفیر مبتلا نمی‌شوند؛ حتی اگر در وضعیت اقتصادی نامناسبی به سر برده باشند.

حمایت‌های دولت‌ها از گروه‌های تکفیری: دولت‌ها معمولاً از ایجاد ناآرامی توسط گروه‌های تکفیری در کشورهای رقیب خود نفع می‌برند. این ناآرامی‌ها می‌تواند زمینه توسعه نفوذ آنها را به مناطق دیگر مهیا کند. این حمایت می‌تواند به صورت مستقیم و غیرعلنی، (مانند حمایت آمریکا در جریان جنگ شوروی در افغانستان از تأسیس القاعده) باشد. نوع دیگری حمایت می‌تواند چشم‌پوشی، سهل‌انگاری یا مماشات باشد؛ البته نه تنها در مواجهه با تکفیری‌ها، بلکه در مواجهه با بسیاری از گروه‌های تندرو و افراطی مثل نازیسم و فاشیسم نیز این روش مورد استفاده دولت‌ها قرار گرفته است. مماشات قدرت‌های اروپایی در برابر اقدامات هیتلر به توسعه فعالیت‌های نازیسم و در نهایت جنگ جهانی دوم ختم شد. درباره داعش نیز مماشات غربی‌ها کاملاً روشن و واضح بوده است.^۳ **نهادینگی ضعیف:** این گروه‌ها می‌توانند در هر نقطه از جهان شکل گیرند؛ ولی معمولاً در نقاطی شکل می‌گیرند که از نهادینگی سیاسی ضعیفی برخوردار هستند؛ به علاوه، منطقه تحت فعالیت آنها الزاماً جایی است که نهادینگی سیاسی آن پایین است. در نهادینگی ضعیف، شکاف میان دولت و ملت زیاد است. قانون‌گرایی از ناحیه نخبگان سیاسی و مردم ضعیف است؛ نه دولت از انسجام و قدرت سیاسی و اقتصادی مناسب برخوردار است

۱. بختیاری، محمد، اسکندری، محمد رضا، «بررسی تطبیقی ساختار فکری جریان‌های افراطی با خوارج»، فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه، ص ۱۶۰-۱۴۱.

۲. محمد تقی، فخلعی، مجموعه گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، ص ۲۲۰.

۳. رضا، غلامی، تاریخ خلافت مدرن، ص ۲۲۴.

و نه سازمان‌های مدنی و اجتماعی و احزاب و گروه‌های قانونی توانمندی دارند^۱ تا مدیریت امور اجتماعی و سیاسی را در دست بگیرند و نگذارند تا مسائل از حیطه قانونی خارج شوند؛ لذا گروه‌های تکفیری برای فعالیت خود در این مناطق، نه از جانب دولت و نه از جانب ملت احساس تهدید ندارند و این موضوع به آنها جسارت می‌دهد تا اقدامات خود را علنی سازند. القاعده، النصره، داعش، لشکر طیبیه و سایر گروه‌های تکفیری، در کشورهای فعال هستند که نهادینگی ضعیفی دارند.

در مجموع، فقر گرچه یکی از عوامل مهم شکل‌گیری تکفیرگرایی (به‌ویژه در رابطه با نیروهای صف و سربازان است)، اما تنها عامل نیست. فقر در کنار سایر عوامل می‌تواند به تکفیرگرایی منتهی شود.

تکفیر، تروریسم و خشونت در اسلام که سبب انحراف از اسلام شده، علاوه بر ریشه تاریخی، دارای بسترهای سیاسی در حوزه تجربه استثمار و استعمار بوده که برای نمونه می‌توان، به دوران بعد از سقوط امپراتوری عثمانی اشاره کرد؛ از سوی دیگر، تحقیر، بحران هویت، سرخوردگی، قشری‌نگری، عشیره و قبیله‌گرایی محض و القاء محرومیت و فقر بسترهایی که می‌تواند منجر به تکفیرگرایی شود. در واقع فقر تنها یکی از عوامل افراطی‌گری و تکفیرگرایی است که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه

آنچه در بحث و بررسی رهبران گروه‌های تکفیری در جهان اسلام انجام شد، بیان‌گر آن است که آمار دقیقی از رابطه میان فقر و تکفیر وجود ندارد؛ زیرا آمار موجود، عقاید مذهبی را برابر با افراط‌گرایی دانسته‌اند؛ به‌علاوه، انجام تحلیل آماری از رابطه میان فقر و تکفیر در حوزه سربازان تکفیری بسیار دشوار است؛ زیرا آمار مناسبی از سرگذشت این سربازان در دسترس نیست. با این حال، می‌توان با نگاه به گذشته رهبران، رابطه میان فقر یا عقاید

۱. آدمی، علی، مرادی، علی، «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌های جاری»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ص ۸۲-۶۷.

مذهبی با تکفیر را مورد تحلیل آماری قرار داد؛ همان‌طور که اشاره شد، در رابطه با رهبران، شاهد ارتباط معنادار میان عقاید مذهبی و تکفیر بودیم؛ اما چنین ارتباطی در رابطه با اقتصاد وجود نداشت. فقرای زیادی در جهان هستند که هرگز به تکفیر دچار نمی‌شوند؛ بنابراین، فقر در کنار عوامل دیگری مانند وجود بستر مذهبی، فهم نادرست از شریعت، حمایت دولت‌ها و نهادینگی ضعیف، به تکفیر منتهی می‌شود.

استفاده تکفیری‌ها از عوامل احساساتی در عوض عوامل خردگرایی دینی، چشم افراد را بیش از پیش به واقعیت شریعت خواهد بست؛ لذا به سرعت منطق تکفیری برای این افراد نیز نهادینه می‌شود و از آن زمان به بعد، همراهی بسیار زیادی با آنها خواهد داشت و به یک تهدید واقعی مبدل می‌شود. شاید گرایش‌ات اولیه تکفیری به علل مالی وابسته باشد، اما ادامه این گرایش‌ات مالی نیست؛ بلکه هویتی است؛ یعنی افراد احساس تعلق به این تفکرات پیدا می‌کنند و آن را تنها راه نجات خود از آلودگی‌ها، گناهان و بدبختی‌های دنیوی و اخروی می‌دانند.

خیلی از تکفیری‌ها به‌خاطر کمک‌های مالی به آنها پیوسته‌اند؛ ولی بسیاری از آنها نه برای کسب پول، بلکه برای کسب هویت به این گروه‌ها پیوسته‌اند؛ در حالی که اغلب آنها نیز از مشکلات مالی و احساس تبعیض برخوردار بوده‌اند. این موضوع بسیار خطرناک است؛ زیرا این افراد حتی با پیشنهاد پول و تطمیع نیز حاضر به تغییر دیدگاه‌های خود نیستند؛ لذا، حتی بسیاری از تکفیری‌ها که در ابتدا صرفاً برای کسب درآمد به این گروه‌ها ملحق شده بودند، بعد از مدتی حاضر به کشتار مردم فقیر و بی‌گناه در پاکستان و افغانستان نیز می‌شوند؛ از این‌رو، در فرایند ورود فرد به گروه‌های تکفیری، باید به سرعت عمل نمود و فرد را از آنها جدا کرد؛ زیرا به سرعت شخص هویت خود را به این گروه‌ها پیوند می‌دهد و به عنصری بسیار خطرناک تبدیل می‌شود. رسوخ عقاید تکفیری تنها یکی از علل رفتارهای خشن تکفیری‌ها و عملیات‌های انتحاری است. بسیاری از تکفیری‌ها به آن دلیل به اقدامات خشونت‌آمیز و انتحاری دست می‌زنند که چاره‌ای برای خروج از این گروه‌ها ندارند؛ لذا مرگ را بر زنده ماندن ترجیح می‌دهند. تهدید و تطمیع نیز عوامل

دیگری است که به انجام چنین کارهایی از سوی افراد این گروه‌ها منتهی می‌شوند؛ از این‌رو، تکفیری‌ها نیز به لحاظ رسوخ افکار تکفیری، با یک‌دیگر متفاوتند و بسیاری از آنها را می‌توان مجدد به مسیر سلامت باز گرداند؛ لذا نباید همه آنها را با یک چوب تنبیه نمود و با این کار آنها را به سمت عقاید تکفیری، سوق بیشتری داد؛ البته شناخت میزان سطح و عمق عقاید تکفیری در افراد این گروه‌ها کاری بسیار پیچیده و روان‌شناسانه است. می‌توان با شناسایی این افراد، زمینه‌های نفوذ به گروه‌های تکفیری را، از درون خود آنها فراهم آورد. مسلماً ضربات داخلی به این گروه‌ها از ضربات خارجی به آنها اثر بخش‌تر است و شالوده فکری آنها را با چالش بیشتری مواجهه می‌سازد.

منابع

الف) منابع فارسی:

۱. آدمی، علی، مرادی، علی، «چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش هنجاری»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۵، ش ۳، ۱۳۹۴ ش.
۲. بختیاری، محمد، اسکندری، محمد رضا، «بررسی تطبیقی ساختار فکری جریان‌های افراطی با خوارج»، فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۴، شماره ۳ و ۴، ۱۳۹۶ ش.
۳. بغیری، علی، علل گرایش به تکفیر، پژوهش پشתיبان، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۴ ش.
۴. غلامی، رضا، تاریخ خلافت مدرن، تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۴ ش.
۵. فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفت‌وگوهای مذاهب اسلامی، تهران: مشعر، ۱۳۸۳ ش.
۶. قاسمی، بهزاد، «مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به افراط‌گرایی و تروریسم»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دوره ۸، ش ۲۸، ۱۳۹۷ ش.
۷. محمدی، ملیحه، سیمای پاکستان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۸. مستوفی، آرمان، مرگ رهبر گروه ابوسیف، رادیو فردا، ۱۳۸۵ ش.
۹. واسعی، هادی، منتظری، سعید رضا، قاسمی، رعنا، «بررسی و مقایسه فرقه‌های تکفیری میان مسلمانان و مسیحیان: مطالعه موردی داعش و کوکلاکس کلان»، فصل‌نامه سپهر سیاست، دوره ۵، ش ۱۷، ۱۳۹۷ ش.

ب) منابع لاتین:

10. Cullison, Alan (2013). Meet the Rebel Commander in Syria That Assad, Russia and the U.S. All Fear". The Wall Street Journal.
11. Doku Umarov's father killed in Chechnya, Caucasian Knot, (2007); accessed 18 March 2014: <http://eng.kavkaz-uzel>.
12. Gupta, Dipak K. (2008), Understanding Terrorism and Political Violence. London: Routledge, available at: www.theatlantic.com/magazine.
13. Heras, Nicholas A. (2014), ABU AYMAN AL-IRAQI DIRECTS ISIS OPERATIONS IN EASTERN SYRIA, Volume: 5 Issue: 3: jamestown.org.
14. Kevin Daniel Leahy, (2010) From Racketeer to Emir: A Political Portrait of Doku Umarov, Russia's Most Wanted Man, Caucasian Review of International Affairs, Vol. 4 (3) - Summer: www.cria-online.org.
15. Maulana Masood Azha (2002) Kashmir Herald (kashmiri-pandit.org) 1 (8). January.

16. McCone, David R.; Scott, Wilbur J. & Mastroianni, George R. (2008), THE 3RD ACR IN TAL'AFAR: CHALLENGES AND ADAPTATIONS, Department of Behavioral Sciences & Leadership United States Air Force Academy, Colorado Springs.
17. Murad Batal al-Shishani (2013), Syria crisis: Omar Shishani, Chechen jihadist leader: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east>.
18. Oves, Khaled (2013), Syrian opposition won't talk to officials linked to crackdown: www.reuters.com/article.
19. Raman. Bein (2005) Paper no. 1232: Explosions in Xinjiang". South Asia Analysis Group. Archived from the original on 2007-09.
20. Sichor, Yitzhak (2006) Fact and Fiction: A Chinese Documentary on Eastern Turkestan Terrorism". China and Eurasia Forum Quarterly (Central Asia-Caucasus Institute and Silk Road Studies Program) 4 (2): pp.89-108.
21. Swami, Praveen (2012) Pakistan and the Lashkar's jihad in India: <http://www.thehindu.com>.

ج) روزنامه‌ها:

۲۲. سرویس خارجی، «محاصره سه ساله دیرالزور شکست، یک قدم تا پیروزی»، **روزنامه کیهان**، شماره ۲۱۴۳۳، ۱۳۹۶ش.

د) سایت‌ها:

23. chechenpress.co.uk.
24. economist.com.
25. fa.wikipedia.org.
26. farsnews.com.
27. mashreghnews.ir.
28. mirror.co.uk
29. nbcnews.com.
30. news.bbc.co.uk.
31. news.sky.com
32. rferl.org.
33. telegraph.co.uk.
34. telegraph.co.uk.
35. theguardian.com.
36. wsj.com.

